

حشرات در خط مقدم بحران اقلیم

روزهای طلایی زنان ورزشکار ایران

با وجود همه محدودیت‌هایی که درباره ورزش زنان وجود دارد

تغییر اقلیم با دریاهای ما چه کرد؟

گاهی به وضعیت دریای خزر و خلیج فارس

جهان صندوقچه‌های فراموش شده

بازخوانی آثار «واحد خاکدان» نقاشی که اشیای خاموش را زنده کرد



یادداشت چگاسفلا آزمون «سواد میراثی» ما



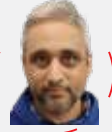
عباس مقدم | باستان‌شناس

یادداشت آب را مثال بی‌ارزشی نزنید آقای رئیس‌جمهور!



علی حاجی‌مرادی | کارشناس منابع آب

یادداشت ایران و کریدورهای ازدست‌رفته



مهدی خاکی‌فیروز | روزنامه‌نگار

«سکینه‌سادات پاد»، دستیار رئیس‌جمهور در پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی در دولت سیزدهم، به «پیام ما» می‌گوید:

ما مخالف گشت ارشادیم

- زنان مجلس دغدغه زنان را ندارند.
- گشت ارشاد در شأن زن ایرانی نیست.
- نگاه مردسالارانه در ساختار فرهنگی ما ریشه دارد.
- با محدودیت و ممنوعیت نمی‌توان جامعه را کنترل کرد.
- در دولت فعلی، اقدامی جدی برای زنان انجام نشده است.
- موتورسواری زنان نیاز به لایحه ندارد، فقط اراده می‌خواهد.



یادداشت

کشور به مرکز نقشه تجارت جهانی بازمی‌گردد؟

ایران و کریدورهای ازدست‌رفته

داده، هم اقتصادی است و هم زیست‌محیطی. با سرمایه‌گذاری هوشمندانه، توجه به ابعاد محیط‌زیستی و سیاست‌گذاری دقیق، می‌توان از این فرصت‌ها استفاده و نقشی فعال در تجارت بین‌المللی ایفا کرد.

درس‌هایی که از کریدورهای ازدست‌رفته باید آموخت

تجربه چند دهه اخیر نشان می‌دهد توسعه ترانزیت بدون برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کافی، به نتایج مثبت نمی‌انجامد. ایران باید هم‌زمان به ساخت زیرساخت‌ها، حفظ محیط‌زیست و

نام کریدور	وضعیت فعلی	چالش‌های اصلی	هدف و اهمیت	مسیر اصلی
کریدور شمال-جنوب (INSTC)	فعال در بخش ریلی و جاده‌ای؛ ظرفیت فعلی حدود ۱۲ میلیون تن در سال	ضعف زیرساخت بندری در چابهار، ناهماهنگی گمرکی، کمبود ناوگان ریلی	کاهش زمان حمل کالا بین آسیا و اروپا از ۴۵ به ۲۵ روز	هند-ایران-روسیه-اروپا
کریدور شرق-غرب (چین-قفقاز-ترکیه)	در حال احیا؛ ایران در مذاکرات برای نقش محوری است	تحریم‌های بانکی، نیاز به توافقات گمرکی چندجانبه	جایگزین زمینی برای مسیر دریایی کانال سوئز؛ بخشی از ابتکار «بیک کمربند، یک راه» چین	چین-قزاقستان-ایران-ترکیه-اروپا
کریدور خلیج فارس دریای سیاه	در مرحله مذاکره نهایی؛ ایران خواهان افزایش نقش بندر انزلی است	ضعف در جاده‌های ارمنستان و روابط سیاسی شکننده	دسترسی کشورهای خلیج فارس به بازارهای اروپایی از طریق ایران	ایران-ارمنستان-گرجستان-دریای سیاه-اروپا
کریدور چین-آسیای مرکزی-ایران	بخش ریلی فعال؛ افزایش حمل بار تا پنج میلیون تن در ۲۰۲۵	تعارف‌های متغیر و کمبود واگن	مسیر جایگزین برای صادرات چین به خلیج فارس	چین-ترکمنستان-ایران-خلیج فارس
کریدور پاکستان-ایران-ترکیه (PITC)	کریدور ریلی فعال؛ توافق سه‌جانبه در حال اجرا	مشکلات امنیتی در مرزهای جنوب‌شرق	اتصال جنوب آسیا به اروپا	کرچی-زاهدان-تبریز-انکارا
کریدور چابهار-افغانستان-آسیای میانه	بخشی از مسیر فعال؛ هند متعهد به توسعه بندر چابهار شده است	نامنی در افغانستان، کمبود سرمایه‌گذاری	دسترسی هند و افغانستان به آسیای میانه بدون عبور از پاکستان	چابهار-زرنج-کابل-تاشکند
کریدور ایران-عراق-سوریه-مدیترانه	در مرحله مطالعات و تفاهنامه‌های اولیه	مسائل امنیتی و تحریم‌ها	دسترسی زمینی ایران به مدیترانه	بندر امام-عراق-لاذقیه

ایمان عشق‌آباد؛ توافقی که اجرایی نشد

ایمان عشق‌آباد که میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی و همچنین برزیل به امضا رسید، قرار بود مسیر تجارت از آسیای مرکزی به خلیج فارس را کوتاه‌تر و سریع‌تر کند. این پیمان می‌توانست ایران را به مسیر اصلی ترانزیت کالا در منطقه تبدیل کند، اما مشکلات اجرایی و سیاسی باعث شد این فرصت نیمه‌تمام باقی بماند. فعال‌شدن محور بندری صحار-چابهار و استفاده از ترانزیت ریلی به‌جای کامیون‌ها، هم به کاهش آلودگی هوا کمک می‌کند و هم از فشار بر جاده‌ها بکاهد. متأسفانه تا امروز ایران نتوانسته از این ظرفیت بهره کامل ببرد.

خط لوله‌های عربستان

در سوی دیگر، عربستان سعودی با احداث خطوط لوله نفت از شرق کشور به دریای سرخ، وابستگی خود به تنگه هرمز را کاهش داد. خط لوله شرقی-غربی این کشور ظرفیت انتقال روزانه پنج میلیون بشکه نفت را دارد و به‌طور مؤثری اهمیت استراتژیک تنگه هرمز را کاهش داده است. این اقدام باعث شد ایران در رقابت ترانزیتی منطقه عقب بماند و نتواند نقش کلیدی خود را در صادرات انرژی ایفا کند. با این حال، ساخت چنین خطوط لوله‌ای برای محیط‌زیست خطرناک است. تخریب زیستگاه‌های طبیعی، آلودگی خاک و آب و آسیب به تنوع زیستی از جمله پیامدهای آن است که عربستان باید در برنامه‌های توسعه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

فرصت‌های ازدست‌رفته و آینده ایران

ایران هنوز می‌تواند نقش کلیدی خود را در کریدورهای بین‌المللی بازیابی کند، اما این امر نیازمند بازنگری در سیاست‌های اقتصادی، دیپلماسی فعال و توجه جدی به زیرساخت‌های حمل‌ونقل است. توسعه مسیرهای ریلی و همکاری بیشتر با کشورهای همسایه، ایران را به یک هاب ترانزیتی منطقه‌ای تبدیل می‌کند و درعین‌حال فشار بر جاده‌ها و آلودگی هوا را کاهش می‌دهد. به‌عبارت دیگر، فرصت‌هایی که ایران از دست



مهدی خاکی‌فیروز | روزنامه‌نگار

ایران با موقعیت استراتژیک خود در قلب اوراسیا می‌توانست به شاهراه ترانزیتی منطقه تبدیل شود، اما فرصت‌ها یکی پس از دیگری از دست رفت. از پروژه‌های راه‌آهن شمال-جنوب گرفته تا پیمان عشق‌آباد و حتی خطوط لوله نفت عربستان، همه حکایت از فرصت‌هایی دارند که نیمه‌تمام باقی ماندند و می‌توانستند اقتصاد و محیط‌زیست کشور را متحول کنند.

راه‌آهن شمال-جنوب؛ مسیری که هنوز تکمیل نشده

کریدور بین‌المللی شمال-جنوب، توافقی میان ایران، روسیه و هند است که هدفش انتقال کالا از هند تا روسیه و اروپا از مسیر ایران است. تکمیل این مسیر، ایران را به یک هاب ترانزیتی واقعی تبدیل و درآمد ارزی پایدار ایجاد می‌کند. یکی از حلقه‌های مهم این کریدور، پروژه راه‌آهن رشت-آستارا است. این مسیر که اتصال‌دهنده شمال ایران به آذربایجان است، هنوز در مراحل ابتدایی قرار دارد و به‌دلیل تحریم‌ها و کمبود منابع مالی با تأخیر مواجه شده است. وزیر راه‌وشهرسازی اخیراً اعلام کرده است تکمیل این پروژه در اولویت قرار دارد و پیش‌بینی می‌شود طی سه سال آینده پیشرفت قابل‌توجهی حاصل شود. اما صفحات روزنامه‌ها در ۳۰ سال اخیر، بارها چنین وعده نافرمانی را به خود دیده است. از منظر زیست‌محیطی، تکمیل این مسیر می‌توانست ترافیک جاده‌ای و مصرف سوخت فسیلی را کاهش دهد و به‌این‌ترتیب، آلودگی هوا و اثرات تغییر اقلیم را کم کند. در حال حاضر، بخش عمده ترانزیت کالاها از جاده‌ها انجام می‌شود و همین موضوع سهم قابل‌توجهی در آلودگی هوا دارد.

جناب آقای محسن عربی

انتصاب جنابعالی به‌عنوان مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین را تبریک عرض کرده و این انتخاب را حاصل شایستگی، تجربه و تعهد شما می‌دانیم.

امید است در پرتو الطاف حضرت حق، بیش از پیش موفق و پیروز باشید. با آرزوی توفیق روزافزون

روزنامه پیام ما



« شرکت عمران شهر جدید مهستان از کلبه پیمانکاران دارای صلاحیت از سازمان برنامه و بودجه جهت دریافت اسناد و شرکت در مناقصات ذیل دعوت بعمل می‌آورد »

شناسه آگهی: ۲۰۳۲۳۱۵

ادامه در صفحه ۸

شرکت عمران شهر جدید مهستان

چگاسفلا

آزمون «سواد میراثی» ما



| عباس مقدم

| باستان‌شناس |

این روزها در گفتار برخی مدیران میراث‌فرهنگی، واژه‌ای تازه زیاد شنیده می‌شود: «سواد میراثی». واژه‌ای پرظمطراق اما بی‌تعریف. هیچ‌کدام از گویندگانش تاکنون نگفته‌اند دقیقاً یعنی چه، شاید چون خودشان هم نمی‌دانند. برای من اما رفتار همان مدیران با یکی از مهم‌ترین محوطه‌های پیشاتاریخی ایران، چگاسفلا، معنای تازه‌ای از این واژه ساخته است. «سواد میراثی» یعنی بی‌اعتنایی به ارزش‌های باستان‌شناختی مهم‌ترین سند ما از دیرینگی تمدن در کرانه‌های دریای پارس؛ یعنی بی‌توجهی به اصول و ضوابطی که پیش از ما تصویب شده تا چنین اثری برای نسل‌های آینده تکمیل کند. از همان زمان، وسعت چشمگیر یکی از این محوطه‌ها، چگاسفلا، ختم را درگیر کرد. هر باستان‌شناسی می‌داند گستردگی یک محوطه شش‌هزارساله، فقط اثباتش آثار نیست؛ نشانه‌ای است از تمرکز، پیچیدگی فرهنگی و تداوم زیست. وقتی کاوش‌ها را در چگاسفلا آغاز کردیم، آشکار شد که این گستردگی، تضادفی نیست. پژوهش‌های میدانی ما، به‌ویژه در گورستان و نیایشگاه، نشان داد چگاسفلا جایگاهی منحصربه‌فرد در باستان‌شناسی ایران دارد. این محوطه تلفظ وسیع‌ترین گورستان پیشاتاریخی کشور را در خود جای داده، بلکه گنجینه‌ای از داده‌های زیستی، ژنتیکی، آیینی و هنری آسان‌هایی است که شش هزار سال پیش در این سرزمین می‌زیستند. از دل هر فصل کاوش، شواهدی بیرون آمد که می‌تواند روایت ما از آغاز جوامع پیچیده در جنوب و جنوب‌غرب ایران را بازویسی کند. از سال ۱۳۹۴ تاکنون، با همکاری باستان‌شناسان و همراهی روزنامه‌نگاران دغدغه‌مند، کوشیدهام مسئولان را متوجه اهمیت چگاسفلا کنم. بارها گفته‌ام این محوطه فقط یک سایت نیست؛ آزمون‌ی است برای سنجش میزان مسئولیت‌پذیری ما در برابر گذشته خود. تلاش‌هایم سرانجام به ثبت موفق چگاسفلا در فهرست یونسکو انجامید؛ اما درست از همان زمان، زنجیره بی‌توجهی‌ها آغاز شد. هر تغییر مدیریتی، به‌معنای بازگشت به نقطه صفر بود. هر مدیر تازه‌وارد، به‌جای ادامه مسیر، همه‌چیز را از نو می‌دید. گویی نظام مدیریتی در میراث‌فرهنگی ایران، حافظه ندارد و فراموشی در آن سازمان‌یافته است. در آغاز وزارت جدید نیز طبق عادت، نامه‌ای برای وزیر محترم نوشته و گزارشی از ارزش‌های جهانی چگاسفلا ارائه دادم. در یک جلسه عمومی در شهر بهبهان از قول وزیر گفته شد چگاسفلا شایسته ثبت جهانی است؛ اما هیچ اقدام عملی در پی نداشت. حتی دستور ایشان برای تشکیل جلسه بررسی مسائل چگاسفلا برای آن سرگیری کاوش‌های باستان‌شناختی، تاکنون نادیده گرفته شد. درعوض، مجوز ساخت جدول فاضلاب در عرصه منصوب و ابلاغ‌شده چگاسفلا صادر شد. چنین رفتارهایی استثنا نیست و به قاعده‌ای تکراری دل شده است؛ وعده‌های بی‌سرانجام، تصمیم‌های عجلوانه و گاه مجوزهایی که مستقیماً به تخریب می‌انجامند. پرسش ساده است: چرا نپادی که مأمور پاسداری از میراث‌فرهنگی است، در برابر روشن‌ترین شواهد علمی چنین بی‌حس عمل می‌کند؟ آیا مسئله در ساختار معیوب تصمیم‌گیری است؟ در ناآگاهی مدیران؟ یا در نوعی بی‌میلی فرهنگی نسبت به آنچه ریشه در خاک ایران دارد؟ شاید اگر چگاسفلا را باستان‌شناسی خارجی، مانند رومن گیرشمن، کاوش کرده بود، امروز در مجامع میراثی، آن را با شور و افتخار تحسین می‌کردند. اما چون دل پژوهش و لیاقت باستان‌شناسان ایرانی برخاسته، گویا هنوز در چشم ساختار رسمی «جدی» گرفته نمی‌شود. در یک جلسه‌ای، نشانه‌ای است از کسانی که بر شاخه نشستند و بن می‌برند. چگاسفلا امروز ساکت است؛ اما این سکوت، خاموشی نیست، فریادی بی‌صداست؛ یادآور حقیقت تلخی که بزرگ‌ترین تهدید برای میراث‌فرهنگی ما نه دشمن بیرونی است و نه کمبود بودجه، بلکه فراموشی و بی‌اعتنایی درونی. همان بی‌اعتنایی‌ای که نطفه‌ها محوطه‌ها را به ویرانی می‌کشاند و دست غارتگران را بازتر می‌گذارد، بلکه اعتمادبهنفس ملی ما را هم می‌فرساید. اگر روزی بپرسند چرا میراثان از میان رفت، پاسخ ساده خواهد بود: چون در زمانی که باید، چشم برحقیقت بستیم و تبلیغ مفهومی تعریف‌نشده به‌نام «سواد میراثی» را جایگزین مسئولیت واقعی کردیم. حقیقت درباره چگاسفلا این است که تاکنون ده‌ها مقاله و کتاب علمی بین‌المللی درباره‌اش نوشته و منتشر شده؛ حاصل پژوهش‌های فرزندان همین سرزمین. با این‌همه، آیندگان بی‌تردید خواهند پرسید: چه بر سر آن پیشینه درخشان تمدنی دریای پارس آمد؟ چرا آن گنجینه باشکوه خلاقیت، هنر و زندگی شش‌هزارساله، به‌تدریج نادیده گرفته شد و ویران شد؟

چگاسفلا

آزمون «سواد میراثی» ما



| عباس مقدم

| باستان‌شناس |

این روزها در گفتار برخی مدیران میراث‌فرهنگی، واژه‌ای تازه زیاد شنیده می‌شود: «سواد میراثی». واژه‌ای پرظمطراق اما بی‌تعریف. هیچ‌کدام از گویندگانش تاکنون نگفته‌اند دقیقاً یعنی چه، شاید چون خودشان هم نمی‌دانند. برای من اما رفتار همان مدیران با یکی از مهم‌ترین محوطه‌های پیشاتاریخی ایران، چگاسفلا، معنای تازه‌ای از این واژه ساخته است. «سواد میراثی» یعنی بی‌اعتنایی به ارزش‌های باستان‌شناختی مهم‌ترین سند ما از دیرینگی تمدن در کرانه‌های دریای پارس؛ یعنی بی‌توجهی به اصول و ضوابطی که پیش از ما تصویب شده تا چنین اثری برای نسل‌های آینده تکمیل کند. از همان زمان، وسعت چشمگیر یکی از این محوطه‌ها، چگاسفلا، ختم را درگیر کرد. هر باستان‌شناسی می‌داند گستردگی یک محوطه شش‌هزارساله، فقط اثباتش آثار نیست؛ نشانه‌ای است از تمرکز، پیچیدگی فرهنگی و تداوم زیست. وقتی کاوش‌ها را در چگاسفلا آغاز کردیم، آشکار شد که این گستردگی، تضادفی نیست. پژوهش‌های میدانی ما، به‌ویژه در گورستان و نیایشگاه، نشان داد چگاسفلا جایگاهی منحصربه‌فرد در باستان‌شناسی ایران دارد. این محوطه تلفظ وسیع‌ترین گورستان پیشاتاریخی کشور را در خود جای داده، بلکه گنجینه‌ای از داده‌های زیستی، ژنتیکی، آیینی و هنری آسان‌هایی است که شش هزار سال پیش در این سرزمین می‌زیستند. از دل هر فصل کاوش، شواهدی بیرون آمد که می‌تواند روایت ما از آغاز جوامع پیچیده در جنوب و جنوب‌غرب ایران را بازویسی کند. از سال ۱۳۹۴ تاکنون، با همکاری باستان‌شناسان و همراهی روزنامه‌نگاران دغدغه‌مند، کوشیدهام مسئولان را متوجه اهمیت چگاسفلا کنم. بارها گفته‌ام این محوطه فقط یک سایت نیست؛ آزمون‌ی است برای سنجش میزان مسئولیت‌پذیری ما در برابر گذشته خود. تلاش‌هایم سرانجام به ثبت موفق چگاسفلا در فهرست یونسکو انجامید؛ اما درست از همان زمان، زنجیره بی‌توجهی‌ها آغاز شد. هر تغییر مدیریتی، به‌معنای بازگشت به نقطه صفر بود. هر مدیر تازه‌وارد، به‌جای ادامه مسیر، همه‌چیز را از نو می‌دید. گویی نظام مدیریتی در میراث‌فرهنگی ایران، حافظه ندارد و فراموشی در آن سازمان‌یافته است. در آغاز وزارت جدید نیز طبق عادت، نامه‌ای برای وزیر محترم نوشته و گزارشی از ارزش‌های جهانی چگاسفلا ارائه دادم. در یک جلسه عمومی در شهر بهبهان از قول وزیر گفته شد چگاسفلا شایسته ثبت جهانی است؛ اما هیچ اقدام عملی در پی نداشت. حتی دستور ایشان برای تشکیل جلسه بررسی مسائل چگاسفلا برای آن سرگیری کاوش‌های باستان‌شناختی، تاکنون نادیده گرفته شد. درعوض، مجوز ساخت جدول فاضلاب در عرصه منصوب و ابلاغ‌شده چگاسفلا صادر شد. چنین رفتارهایی استثنا نیست و به قاعده‌ای تکراری دل شده است؛ وعده‌های بی‌سرانجام، تصمیم‌های عجلوانه و گاه مجوزهایی که مستقیماً به تخریب می‌انجامند. پرسش ساده است: چرا نپادی که مأمور پاسداری از میراث‌فرهنگی است، در برابر روشن‌ترین شواهد علمی چنین بی‌حس عمل می‌کند؟ آیا مسئله در ساختار معیوب تصمیم‌گیری است؟ در ناآگاهی مدیران؟ یا در نوعی بی‌میلی فرهنگی نسبت به آنچه ریشه در خاک ایران دارد؟ شاید اگر چگاسفلا را باستان‌شناسی خارجی، مانند رومن گیرشمن، کاوش کرده بود، امروز در مجامع میراثی، آن را با شور و افتخار تحسین می‌کردند. اما چون دل پژوهش و لیاقت باستان‌شناسان ایرانی برخاسته، گویا هنوز در چشم ساختار رسمی «جدی» گرفته نمی‌شود. در یک جلسه‌ای، نشانه‌ای است از کسانی که بر شاخه نشستند و بن می‌برند. چگاسفلا امروز ساکت است؛ اما این سکوت، خاموشی نیست، فریادی بی‌صداست؛ یادآور حقیقت تلخی که بزرگ‌ترین تهدید برای میراث‌فرهنگی ما نه دشمن بیرونی است و نه کمبود بودجه، بلکه فراموشی و بی‌اعتنایی درونی. همان بی‌اعتنایی‌ای که نطفه‌ها محوطه‌ها را به ویرانی می‌کشاند و دست غارتگران را بازتر می‌گذارد، بلکه اعتمادبهنفس ملی ما را هم می‌فرساید. اگر روزی بپرسند چرا میراثان از میان رفت، پاسخ ساده خواهد بود: چون در زمانی که باید، چشم برحقیقت بستیم و تبلیغ مفهومی تعریف‌نشده به‌نام «سواد میراثی» را جایگزین مسئولیت واقعی کردیم. حقیقت درباره چگاسفلا این است که تاکنون ده‌ها مقاله و کتاب علمی بین‌المللی درباره‌اش نوشته و منتشر شده؛ حاصل پژوهش‌های فرزندان همین سرزمین. با این‌همه، آیندگان بی‌تردید خواهند پرسید: چه بر سر آن پیشینه درخشان تمدنی دریای پارس آمد؟ چرا آن گنجینه باشکوه خلاقیت، هنر و زندگی شش‌هزارساله، به‌تدریج نادیده گرفته شد و ویران شد؟

از مهمترین اتفاقات ورزش ایران در روزهای اخیر، توسط سرمربی تیم ملی فوتبال زنان رقم خورد؛ جایی که «مرضیه جعفری»، سرمربی تیم ملی زنان ایران، جایزه برترین مربی زن آسیا در سال ۲۰۲۵ را به دست آورد. این جایزه حاصل موفقیت جعفری در باشگاه خاتون بم و صعود تیم ملی به جام ملت‌های آسیا است و نام این مربی ایرانی را به‌عنوان نخستین سرمربی فوتبال زنان ایران که به این موفقیت دست یافته، در تاریخ ورزش ایران ثبت کرد.



| روزنامه‌نگار |

از مهمترین اتفاقات ورزش ایران در روزهای اخیر، توسط سرمربی تیم ملی فوتبال زنان رقم خورد؛ جایی که «مرضیه جعفری»، سرمربی تیم ملی زنان ایران، جایزه برترین مربی زن آسیا در سال ۲۰۲۵ را به دست آورد. این جایزه حاصل موفقیت جعفری در باشگاه خاتون بم و صعود تیم ملی به جام ملت‌های آسیا است و نام این مربی ایرانی را به‌عنوان نخستین سرمربی فوتبال زنان ایران که به این موفقیت دست یافته، در تاریخ ورزش ایران ثبت کرد. یکی دیگر از موفقیت‌های ورزش ایران، کسب عنوان قهرمان تیم ملی والیبال زنان بود. در یک اتفاق تاریخی تیم ملی والیبال زنان ایران، نخستین مدال رسمی تاریخ زنان والیبال ایران را به دست آورد؛ تیمی که در مسابقات آسیای مرکزی (کاوا) با پیروزی مقابل تمامی حریفان و بدون از دست‌دادن حتی یک ست بر سکوی نخست این رقابت‌ها ایستاد. تیم ملی والیبالی زنان ایران نخستین بار در سال ۱۳۴۲ تشکیل شد و حالا برای اولین بار در تاریخ موفق به کسب مدال طلا در یک رویداد برون‌مرزی شده است.

یکی دیگر از اتفاقات مهم در ورزش زنان ایران که با شیرینی و البته تلخی همراه بود، مدال نقره «هاجر صفرزاده» در مسابقات پارالومیدانی قهرمانی آسیا بود. نماینده شایسته ایران که با وجود همه محدودیت‌ها و انتلا به سراخودگی، درماده ۴۰۰ متر کلاس T۱۲ به مدال نقره دست یافت. دختر شایسته ایران‌زمین پیش‌تر در بازی‌های پارالمپیک پاریس با شکستن رکورد آسیا به مدال نقره رسیده بود و حالا در مسیر تبدیل‌شدن به یکی از چهره‌های شاخص پارادومیدانی ایران قرار دارد.

قرار گرفتن نام کوهنوردی ایرانی در تالار افتخارات جهانی یکی دیگر از لحظات شیرین ورزش ایران در روزهای اخیر بود. «افسانه حسامی‌فرد»، بانوی کوهنورد ایرانی با صعود به قله جوآویو در تبت، به‌عنوان نخستین زن ایرانی وارد باشگاه هشت‌هزارمتری‌های جهان شد. او پس از «عظیم قیچقی‌ساز»، دومین کوهنورد ایرانی به شمار می‌آید که موفق به صعود به تمامی قله بالای هشت هزار متر جهان شده است.

یکی دیگر از افتخارات زنان ایرانی در میادین بین‌المللی کسب اولین مدال طلای تاریخ پاراوزنبرداری ایران بود. «عطیه سادات حسینی»، در مسابقات پاراوزنبرداری قهرمانی جهان در قاهره موفق شد نخستین مدال طلای



با وجود همه محدودیت‌هایی که درباره ورزش زنان وجود دارد

روزهای طلایی زنان ورزشکار ایران

درخشش زنان ورزشکار ایران در ماه‌های اخیر با کسب مدال‌ها، ثبت رکوردها و به‌دست‌آوردن موفقیت‌های بین‌المللی، برگ تازه‌ای در تاریخ ورزش کشور رقم زد؛ درخششی که نشان داد زنان ورزشکار ایران‌زمین تا چه اندازه می‌توانند افتخار‌آفرین باشند و اگر شرایط مناسب‌تری برای آنها فراهم شود، بی‌تردید شاهد موفقیت‌های بیشتر زنان ورزشکار ایران‌زمین خواهیم بود. نگاهی به موفقیت‌های زنان ورزشکار ایران طی هفته‌های اخیر داریم.

تاریخ پاراوزنبرداری زنان ایران را کسب کند و نام خود را در تاریخ این رشته ماندگار کرد. قهرمان رشته تیراندازی زنان ایران، برای دومین سال متوالی در بوندس‌لیگای آلمان حضور یافت و همچنین، قرارداد اسپانسرشی جدیدی با شرکت ELEY برای تأمین فشنگ‌های تمرینی خود امضا کرده است. در رشته هاکی روی یخ نیز «درسا رحمانی» و «سارینا خسروی»، بازیکنان جوان ایران، با امضای قرارداد حرفه‌ای با تیم «ریمپچ وزیرم» در لیگ مجارستان، نخستین زنان ایرانی شدند که در این سطح از لیگ‌های اروپایی به میدان می‌روند. این دو بازیکن پیش‌تر با تیم ملی ایران مدال طلای جام ملت‌های آسیا را به دست آورده بودند.

در بخش داوری نیز زنان ایرانی حضوری پررنگی در میادین بین‌المللی داشتند. «مهناز دکایی» و «بهاره سیفی‌نابودی»، برای قضاوت در لیگ قهرمانان زنان آسیا انتخاب شدند. دکایی همچنین در فهرست داوران منتخب جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۶ استرالیا قرار گرفته است که افتخاری بزرگ برای فوتبال ایران محسوب می‌شود. همچنین «مرجان تیموری» و «معصومه باقری» نیز از سوی فدراسیون جهانی توگاندو برای قضاوت در رقابت‌های قهرمانی جهان در چین دعوت شدند.

با اینکه زنان ورزشکار ایرانی این روزها در میادین مختلف می‌درخشند، اما نباید محدودیت‌ها و مشکلات آنها را فراموش کرد. از بودجه‌های بسیار اندک برای تمرینات و اردوها، قراردادهای ناچیز برای حضور در باشگاه‌های مختلف (البته اگر باشگاهی باشد) تا عدم اعزام به برخی مسابقات برون‌مرزی و شرایط مالی نامناسب، همه و همه مشکلاتی هستند که ورزش زنان با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ورزش زنان در ایران آنچنان مهجور است که گاهی مجموع بودجه در نظر گرفته‌شده برای چندصد نفر ورزشکار و چندین تیم ملی، به‌اندازه یک بازیکن متوسط در لیگ برتر فوتبال مردان ایران نمی‌شود. همین چندوقف پیش بود که پاداش ناچیز صعود به جام‌جهانی تیم ملی فوتبال زنان، بعد از ماه‌ها کش‌وفوس به مبلغ ۵۰ میلیون تومان شد. با کسر مالیات به ۴۵ میلیون تومان رسید، پرداخت شد.

امیدواریم موفقیت‌های زنان ورزشکار ایران در این سال‌ها سبب نگاهی تازه به این حوزه شود و زنان ورزشکار ایران حداقل‌هایی خود را نشان دادند و با کسب یک برنز و دو عنوان چهارمی به کار خود پایان دادند.

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان	اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب اصفهان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	برابر آرا صادره هیات‌های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود.
برابر آرا صادره هیات‌های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود.	در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.
ردیف ۱- براب‌رای رأی شماره ۱۱۶۹۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ هیأت سوم مالکیت آقای سید مجید حسینی رنانی به شناسنامه شماره ۱۸ کدملی ۱۲۹۰۸۹۹۳۴۷ فرزند سیدرضا نسبت به سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۵۳.۲۹ متر مربع پلاک شماره ۳۲۰۶ فرعی از ۱۸ اصلی که به پلاک ۱۸.۷۱۰۳ تبدیل گردید واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از سید کاظم اعتصامی فرزند سید عابدین ثبت در دفتر املاک تأیید و محرز گردیده است.	ردیف ۲- برابر رأی شماره ۱۱۶۹۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ هیأت سوم مالکیت آقای سید محسن حسینی رنانی به شناسنامه شماره ۱۱۵۲ کدملی ۱۲۹۰۵۹۵۱۹۴ فرزند سیدرضا نسبت به سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۵۳.۲۹ متر مربع پلاک شماره ۳۲۰۶ فرعی از ۱۸ اصلی که به پلاک ۱۸.۷۱۰۳ تبدیل گردید واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت سید کاظم اعتصامی فرزند سید عابدین ثبت در دفتر املاک تأیید و محرز گردیده است.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۸/۰۳	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸
شهریاری – رییس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان	شناسه آگهی: ۲۰۳۰۵۵۱

تغییر اقلیم

وزیست‌پذیری شهری



| اسپیده رحمن پور |

| پژوهشگر حوزه تغییر اقلیم |

بر اساس برخی نظرسنجی‌ها تصور عمده مردم در تغییر اقلیم به مواردی مانند گرم‌شدن هوا برای آیندگان، آتش‌سوزی‌های گسترده، آب‌شدن یخ‌های قطبی و مشکلات محیط‌زیستی خلاصه می‌شود. عموم مردم باور دارند که تغییر اقلیم به معضلاتی مربوط است که در آینده و شاید در دهه‌های بعدی به‌عنوان تهدیدی دور گریبانگر بشر خواهد شد و فعلاً با زندگی روزمره ارتباطی ندارد یا زندگی روزمره ما بر آن اثری نمی‌گذارد. هرچند این تصور نیز تحت‌تأثیر تحصیلات افراد، رسانه‌های در دسترس آنان و تجربیات شخصی متغیر است. به هر روی این تصورات سطحی‌انگارانه سبب می‌شود تغییر اقلیم درده اهمیت پایین‌تری نسبت به مسائل اقتصادی و سیاسی قرار گیرد. چه‌سدا عدم اطلاع‌رسانی و گزارش‌های نادرست، انکار تغییر اقلیم و تئوری‌های توطئه نیز بر کم‌اهمیت جلوه‌دادن این ابرچالش تأثیر می‌گذارد. اما پیرامون این مسئله اجماعی علمی وجود دارد که حقیقت پیچیده‌تر از این ماجراهاست؛ تهدید از آنچه ما می‌اندیشیم، به ما نزدیک‌تر است و فعلاً هیچ معجزه فناوریانه‌ی واحدی وجود ندارد که به‌تتهایی مشکل را حل کند. تغییر اقلیم پیامدهای بسیاری را برای ساکنان کره زمین در پی خواهد داشت که در این میان تأثیرپذیری شهرهای مختلف جهان از این پیامدها غیرقابل‌انکار است. تغییر اقلیم با تشدید پدیده‌های طبیعی و وقوع فرین(Extreme)، اثر ویرانگری بر شهرها در نقاط مختلف جهان تحمیل کرده است و خواهد کرد. شهرهای ساحلی مانند میامی و شانگهای با خطر افزایش سطح آب دریاها و سیل و آبگرفتگی‌های مکرر مواجه‌اند. درحالی‌که کلاش‌هایی مانند دهللی و قاهره انواع گرمایی شدید و مهلک را تجربه و با کمبود منابع آب دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به‌علاوه، شهرهایی مانند ژنو در تقابف ذوب سریع یخچال‌های طبیعی با تهدید منابع آبی بلندمدت خود مواجه‌اند. موارد ذکرشده مثال‌هایی از پیامدهای تغییر اقلیم برای زیرساخت‌های اساسی کشورها است که در مدت نچندان طولانی می‌تواند منجر به ناامنی غذایی، بی‌ثباتی سیاسی و بروز مشکلاتی برای سلامت و بهداشت عمومی شود. هرچند که برخی از نقاط جهان به‌سبب ویژگی‌های اقلیمی مانند غرب و جنوب‌غرب آسیا و شمال آفریقا در معرض تهدیدات بیشتری قرار می‌گیرند. به‌گونه‌ای که نمای برخی شهرها در این مناطق به‌طور مکرر از ۵۰ درجه سلسیوس عبور خواهد کرد. چه‌سدا بحران کم‌آبی و معضلات کشاورزی طوفان‌های گردوغبار... به مسئله‌ای رایج در این مناطق بدل شود. شکل‌گیری پدیده‌های جزیره گرمایی شهری به افزایش مصرف انرژی برای سرمایش، کاهش کیفیت زندگی به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر و افزایش هزینه‌ها منجر می‌شود. همه این مسائل به‌معنای آلودگی بیشتر هوا، اختلال در سیستم‌های حمل‌ونقل و... در نتیجه زندگی پرشمت شهری خواهد بود. به بیان بهتر، تغییر اقلیم همه شاخص‌های مرتبط با زیست‌پذیری شهری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. زیست‌پذیری شهری به قابلیت یک شهر برای تأمین نیازه‌ای اساسی و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان خود اشاره دارد. به‌گونه‌ای که محیطی سالم، علااده و پایدار برای همه فراهم کند. این مفهوم تنها به وجود امکانات اولیه مانند مسکن، آب پاک و حمل‌ونقل کارآمد محدود نمی‌شود، بلکه شاخص‌هایی چون دسترسی به فضاهای سبز، امنیت، مشارکت اجتماعی، سلامت عمومی، تحرک پیادهمحور و تاب‌آوری در برابر بحران‌هایی مانند تغییر اقلیم را نیز در بر می‌گیرد. یک شهر زیست‌پذیر، شهری است که نطفه‌ا از نظر کالبدی کارآمد است، بلکه به رفاه عاطفی و اجتماعی شهروندان خود اهمیت می‌دهد و با توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها، زمینه را برای شکوفایی استعدادها و برخورداری از یک زندگی باکیفیت و پویا فراهم می‌سازد. تغییر اقلیم با تشدید تهدیدهای محیطی، بیابان‌های زیست‌پذیری شهری را به‌طور جدی تضعیف می‌کند. این پدیده با دامن‌زدن به امواج گرمایی‌گشوده، افزایش شدت سیلاب‌ها و طولانی‌تر کردن دوره‌های خشکسالی، نطفه امنیت غذایی و دسترسی به آب آشامیدنی سالم را مختل می‌کند، بلکه سلامت عمومی را مستقیماً تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و بروز و شیوع بیماری‌ها را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، تخریب زیرساخت‌های اساسی مانند حمل‌ونقل، مسکن و انرژی، هزینه‌های زندگی را سرسام‌آور و نابرابری‌های اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند. در چنین شرایطی، فضاهای عمومی و سبز که نفس‌گام‌های شهری محسوب می‌شوند، تحت‌الشعاع توسعه‌های اضطراری و مخاطرات محیطی قرار می‌گیرند و تاب‌آوری اجتماعی کاهش می‌یابد. در نتیجه، تغییر اقلیم شهرها را به سویی می‌راند که در آن تأمین ابتدایی‌ترین ملزومات یک زندگی باکیفیت به چالشی روزمره تبدیل می‌شود و پایداری بلندمدت جوامع شهری به خطر می‌افتد. همه موارد ذکرشده ضرورت توجه به شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در مواجهه با تغییر اقلیم را عیان می‌سازد. توجه به مواردی مانند سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌های ارتقایی شبکه‌های آب‌وفاضلاب، ساخت دیوارهای ساحلی و سیستم‌های زهکشی هوشمند برای مقابله با سیل و افزایش بارندگی و همچنین، افزایش فضاهای سبز و نفضیپذیر با توسعه پارک‌ها، باغ‌های شهری و پشت‌بام‌های سبز برای کاهش اثر جزیره گرمایی، جذب سیلاب و بهبود کیفیت هوا و گذار سریع به انرژی‌های پاک با توسعه حمل‌ونقل عمومی برقی، استفاده از انرژی خورشیدی و بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساختمان‌ها برای کاهش انتشار کربن و تدوین برنامه‌های تاب‌آوری محلی و ایجاد سیستم‌های هشدار زودهنگام، برنامه‌ریزی برای مدیریت بحران و حفاظت از گروه‌های آسیب‌پذیر در برابر وقایع فرین توصیه می‌شود. پیرامون ارتقایی شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در مواجهه با تغییر اقلیم نقش دولت‌ها و شهروندان، مکمل یکدیگر هستند. مردم می‌توانند با تغییر سبک زندگی و بهینه کردن الگوی مصرف و مشارکت مدنی فعال و انتخاب مسئولان توانمند در حمایت از سیاست‌های سازگار با محیط‌زیست و مطالبه‌گری و دولت‌ها با اولویت بخشیدن به چالش‌های واقعی و ارزش‌بخشی صحیح به مفهوم توسعه، هم‌سوا با توسعه پایدار و درک موارد بنیادین امنیت، بستتر را برای تاب‌آوری در مقابل بحران اقلیمی فراهم کنند.



قلم در خدمنت بی‌عدالتی نبوده و همواره تلاش کرده‌ام با رعایت قانون، وجدان و انصاف بنویسم. وظیفه ما در

این کمیته، ارائه گزارش دقیق و منصفانه به مردم است **❏ امکان ارائه این گزارش به مردم وجود دارد؟**

بله، بخشی از گزارش اولیه، شامل حدود ۶۰ صفحه، به شهید رئیسی و دکتر پزشکیان ارائه و توسط خبرگزاری ایرنا منتشر شد. اما نسخه کامل گزارش به‌دلیل حجم و ماهیت تحلیلی آن برای انتشار عمومی مناسب نیست. این گزارش با رویکرد پژوهشی و بررسی علل پرداخته تنظیم و به رئیس‌جمهور ارائه شد.

❏ در این تحقیقاتی که انجام دادید، مهم‌ترین علت ناآرامی‌ها از نظر شما چه بوده است؟

به دستور رئیس‌جمهور، کمیته ملی بررسی ناآرامی‌ها تشکیل شد. پیش‌ازآن نیز کمیته‌ای در وزارت کشور فعال بود. اما برای جلوگیری از هرگونه شباهت، تصمیم گرفته شد کمیته‌ای ملی با ترکیب متنوعی از متخصصان و دانشگاهیان ایجاد شود. دلایل ناآرامی متعدد بود. در فرایند تدوین گزارش، از منابع علمی مختلف استفاده شد؛ از جمله مقاله‌ای که ۸۰ نویسنده در نگارش آن مشارکت داشتند و شخصیت‌هایی چون «دکتر محقق داماد» نیز در آن اظهار نظر کرده بودند. در این کمیته‌ها، وکلای حقوق‌دانان و کارشناسان دانشگاهی حضور داشتند و مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها بررسی و تحلیل شد. پرداختن به جزئیات این یافته‌ها نیازمند گفت‌وگویی اختصاصی است. اعضای کمیته ملی، از جمله خود من، دیدارهایی با خانواده‌های آسیب‌دیدگان داشتند و از نزدیک به سخنان و گلایه‌های آنان گوش سپردند. این اقدام را می‌توان نقطه‌عطفی در تاریخ

عزیزان، قلب ملت ایران را به درد آورد. ما جان‌های شریفی را از دست دادیم؛ از نیروهای انتظامی و نظامی گرفته تا کسانی که در مسیر تأمین امنیت مردم تلاش می‌کردند. با وقوع اغتشاشات، متأسفانه گروهایی که نه به مردم علاقه دارند و نه به نظام، از این فضا سوءاستفاده کردند. البته باید اذعان کرد که ضعف‌هایی نیز از سوی ما وجود داشت. باید مکانیزم‌هایی را طراحی می‌کردیم که چنین حوادثی قابل پیشگیری باشند.

❏ با توجه به صحبت‌هایی که مطرح شد، پس از انقلاب تحولات قابل‌توجهی در حوزه زنان رخ داده، اما شواهد و آمارها نشان می‌دهد هنوز چالش‌هایی جدی وجود دارد. به‌عنوان مثال، در بحث شکاف جنسیتی، در میان ۱۵۸ کشور، جایگاه ایران حدود ۱۴۷ است. اگرچه کرامت خانواده به‌عنوان یک مسئله مهم مورد توجه قرار گرفته، اما آمار نشان می‌دهد در هفت ماه نخست سال ۱۴۰۳، نیمی از ازدواج‌ها به طلاق منجر شده. علاوه‌براین، در حوزه اقتصادی و نسبت به کشورهای دیگر، وضعیت زنان ایرانی همچنان در فقر جدول است. چرا آرزمانی که می‌خواست زنان از شی‌عواری نجات یافته و بتوانند فعالانه در جامعه حضور داشته باشند، به چنین جایگاهی دست نیافت؟

نمی‌توانم نسبت به برخی آمارها اظهارنظر قطعی کنم، زیرا داده‌های دقیقی در اختیار ندارم. باین‌حال، برخی از آمارها را تأیید می‌کنم. همان‌طورکه خود شما در اظهارتاتان اشاره کردید، وقتی از آزمون سخن می‌گوییم، منظورمان آن تعهدی است که مردم به حاکمیت نسبت به یکدیگر داشتند و قول و وعده‌ای که با هم داده بودند و قراری که با یکدیگر داشتند. حال بخش‌هایی از این قرار محقق نشده، دلیل اینکه بخش عمده‌ای از این آزمون‌ها محقق نشده، به‌نظر من ریشه‌های فرهنگی هم دارد.

❏ چرا ریشه‌های فرهنگی؟

بخش زیادی از این موضوع برمی‌گردد به نگاه مردسالارانه‌ای که در میان ما نهادینه شده و نیازمند اصلاح است. حتماً بخشی از اینکه چرا این نگاه اصلاح نشده، متناسب با قانون اساسی، برعهده حاکمیت است که پاسخگو باشد. چرا نتوانسته فرهنگسازی کند؟ چرا پسران ما در دبیرستان و در طول سال‌ها به‌لحاظ تربیتی براساس اصول قانون اساسی تربیت نشده‌اند؟ چرا دختران ما براساس آنچه قانون اساسی مقرر کرده، تربیت نشده‌اند؟ بخش دیگری از این مسئله ناشی از برداشتها و نگاههای سلیقه‌ای از دین است. برخی افراد فکر می‌کنند می‌توانند برداشت شخصی خود را به‌صورت تحمیلی بر حکمرانی و حتی قانون اساسی اعمال کنند. این موضوع نیازمند تدبیر و اصلاح است و وظیفه آن برعهده رئیس‌جمهور به‌عنوان مجری قانون اساسی، مجلس نیز شأن نظارتی دارد، اما وضعیت کنونی نشان می‌دهد تحقق کامل این امر هنوز رخ نداده.

برای مثال، آیا زنانی که امروز وارد مجلس می‌شوند، همگی دغدغه‌ها و مسائل زنان را درک می‌کنند؟ پاسخ منفی است؛ زیرا بسیاری از آنان براساس سهمیه‌های سیاسی به مجلس راه می‌یابند و نه براساس تخصص یا شناخت واقعی از مسائل زنان. برخی از این نمایندگان، با همان استتلال‌ها و ادبیاتی که مردان درباره لایحه‌های مربوط به زنان و مسائل حقوقی دارند، صحبت می‌کنند و درک زنانه و نگاه ویژه به مسائل زنان در گفتار و اقداماتشان دیده نمی‌شود.

بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که نگاه زنانه، درک و دریافت واقعی مسائل زنان در ادبیات و عملکرد آنان کجاست؟ چه تازشی برای حل مشکلات زنان است و نیاز به لایحه گرفته؟ حتی در معاونت زنان، از جمله معاونت کنونی، در طول یک سال اخیر، اقدام قابل‌توجهی در حوزه‌هایی مانند حقوق زنان، آزادی‌های اجتماعی و مسائل روزمره آنان رخ نداده، در این دولت موضوع موتورسواری زنان

به‌عنوان یک دستاورد مطرح می‌شود. اما با وجود مخالفت دولت، در زمان آقای رئیسی نیز من من آن را مطرح کرده بودم.

❏ پس چرا این موضوع همان زمان اجرایی نشد؟ و زنان نمی‌توانستند برای موتورسواری گواهنامه بگیرند؟

ما باید به یک درک مشترکی با مردمان برسیم. امروز موتورسواری دیگر صرفاً یک ورزش یا یک انتخاب شخصی نیست؛ بلکه به یک ضرورت برای زنان تبدیل می‌شود. دولت و حاکمیتی که نتواند پاسخی برای مسائل مردم پیدا کند، اجباراً تصمیمات از بیرون به آن تحمیل می‌شود. این وضعیت یعنی چه؟ یعنی ما متوقف می‌شویم تا یک موضوعی از بیرون به ما تحمیل شود و سپس تازه بخواهیم آن را بپذیریم و برایش لایحه تدوین کنیم. این روش درست نیست. ما باید از قبل پیش‌بینی کنیم و مسیر تغییرات اجتماعی را دنبال کنیم. شرایط امروز جامعه دیگر مانند گذشته نیست. نمی‌شود تصور کنیم می‌توانیم با محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌ها، مسائل را کنترل کنیم یا سرکوب کنیم. حتی در دورترین نقاط کشور، دسترسی به اطلاعات از طریق اینترنت فراهم است. به‌طور مثال، نیت‌های دختران روستایی نیز باید شناسایی و دسته‌بندی شود و تصمیمات متناسب با شرایط منطقه‌ای اتخاذ شود.

❏ دقیقاً همین‌طور است و پرسش بسیاری از زنان ایران است: چه کسی قرار است به ما پاسخگو باشد؟ چگونه ممکن است قوانینی که وجود دارند، اجرا نشوند؟ و وقتی از دولت سؤال می‌کنیم، پاسخ‌های ارائه‌شده اغلب توجیحات است و نه اقدام عملی.

وقتی در دولت بودم، اعتقاداتی داشتم و به‌رغم مخالفت‌ها و فشارهای فراوان، آنها را دنبال می‌کردم. هر زمان لازم بود، با رئیس‌جمهور گفت‌وگو می‌کردم و مواضعم را بیان می‌کردم. حتی وقتی که مثلاً یک توییت در مورد حجاب منتشر می‌کردم و همه‌های زیادی متوجه‌ام می‌شد، باز هم تلاش می‌کردم و با رئیس‌جمهور برای پیشبرد اهداف و اعتقاداتم به گفت‌وگو می‌نشستم.

❏ این همه‌ها از جانب چه کسانی بر شما وارد می‌شد؟ این فشارها از بیرون وجود دارد؛ همان گروه‌هایی که تلاش می‌کنند خود را به‌عنوان تفسیر غالب و مرجع اصلی معرفی کنند، درحالی‌که این تفسیر رسمی و قانونی نیست. اگر واقعاً تفسیر غالب بود، قانون حجاب باید بدون مشکل اجرا می‌شد. بنابراین، حتی رئیس‌جمهور هم می‌تواند در این زمینه اقدامات مؤثری انجام دهد و مسیر قانونی را دنبال کند تا حقوق و آزادی‌های اجتماعی به‌طور کامل رعایت شود.

❏ به‌نظر شما چرا زمان آقای رئیسی گشت ارشاد جمع نشد و بعد از این حوادث همچنان ادامه پیدا کرد؟
اگرچه برخی در دولت به من گفتند چرا نظر متفاوتی در مورد گشت ارشاد در برنامه «صفحه اول» ارائه کرده‌ام، اما من متناسب با منظومه فکری رئیس‌جمهور سخن می‌گویم. آقای رئیسی در ابتدای دولت خود اعلام کردند، اگر مسئله حجاب به وزارت کشور واگذار شود، این یک خطای راهبردی است و باید به وزارت ارشاد سپرده شود؛ یعنی نگاه ایشان نگاه فرهنگی است و صریحاً این موضوع را بیان کردند. باین‌حال، برخی نگاه‌ها و تفسایر دیگر تلاش می‌کنند خود را تحمیل کنند که حتی هم‌تراز با رئیس‌جمهور قانونی نیستند. این مسائل باید برای یک بار در ساختار حکمرانی ما حل شود. ممکن است آقای پزشکیان نیز در دولت خود چنین نگاه‌هایی داشته باشد. در موضوع موتورسواری زنان، تنها یک اصلاح صورتی است و نیاز به لایحه جدید نیست و می‌تواند به‌صورت مصوبه هیئت وزیران اجرایی شود. در این مسیر، ما باید نگاه خود را از حالت سیاسی خارج و به‌سمت راه‌حل‌های عملی و فرهنگی حرکت کنیم.



خبر روز

«پاریس ایران» کجاست؟

ایپام مار رئیس‌جمهور در نشستی گفت ارومیه زمانی «پاریس ایران» نامیده می‌شد. این لقب بیش از چهار دهه است که به فراموشی سپرده شده. ارومیه به‌دلیل پیشرفت فرهنگی و آموزشی، خیابان‌بندی منظم و فضای چندفرهنگی و هنری شهر از بین دهه ۲۰ تا ۳۰ خورشیدی پاریس ایران خوانده می‌شد. مسعود پزشکیان در روزهای گذشته در نشست با فرهیختگان استان آذربایجان‌غربی به انتقاد از وضعیت عمرانی و اقتصادی این استان، به‌ویژه زادگاه خود مهاباد و مرکز این استان ارومیه، پرداخت. پزشکیان در این نشست گفت: «وقتی می‌بینم مهاباد به وضعیت فعلی رسیده است، اعصابم خراب می‌شود. این شهر چیز دیگری بود و به چیز دیگری بدل شده است. هرکس جایی را گرفته و خراب کرده است، مثلاً ارومیه را زمانی «پاریس ایران» می‌نامیدند، پایتخت فرانسه، به‌دلیل زیبایی، قدمت و هویت مدرن و سرزندگی فرهنگی عموماً آرزوی بسیاری از شهروایی بوده است که می‌خواستند میل به مدرن‌شدن خود را با عناوینی چون «پاریس ایران» یا «پاریس خاورمیانه» بیان کنند. در همین راستا، وقتی تفاوتی بین آنها با سایر شهرهای دیگر ایجاد می‌شد و کمی پیشرفت حاصل می‌کردند، از به‌کاربردن عبارت «پاریس کچولوچو» و پاریس ایران و… ایایی نداشتند. باین‌حال، عامه مردم ایران در طی دو دهه اخیر نه ارومیه که «بروجرد» در استان لرستان و «سنندج» مرکز استان کردستان را به‌عنوان پاریس ایران می‌شناختند و ارومیه در این مقایسه، جایی نداشت. مقایسه‌کردن دو شهر یک کشور یا دو شهر در جهان به‌دلیل شباهت‌ها یا «خواهرخواندگی» امری رایج است. حال این پرسش بوجود می‌آید که آیا ارومیه یا پاریس نسبت خواهرخواندگی دارد یا خیر؟ پاسخ این پرسش منفی است و ارومیه تنها با سه شهر «ارزروم»، «شانلی‌اورفا» و «تراپوزان» در ترکیه و «ورنا» در بلغارستان خواهرخوانده است. از سوی دیگر پاریس هم تنها با شهر «رم»، پایتخت ایتالیا، نسبت خواهرخواندگی دارد. باین‌حال در سال‌های گذشته ارومیه به‌دلیل ویژگی‌های فرهنگی، آموزشی و شهری خود به «پاریس ایران» شهرت داشت. این شهر در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی یکی از نخستین مراکز نوگرایی در شمال‌غرب کشور بود و با تأسیس مدارس مدرن، بیمارستان‌های مجهز و نخستین مدرسه رسمی دخترانه، در مسیر تجدد و آموزش پیشگام شد. همچنین، چاپخانه و روزنامه‌های ارومیه از نخستین نمونه‌های انتشارات شهری در ایران به شمار می‌رفت. در دهه‌های میانی قرن گذشته، خیابان‌بندی منظم، کافه‌ها، سینماها و حضور اقلیت‌های مختلف مذهبی و قومی، چهره‌ای باز و چندفرهنگی به این شهر داده بود. در آن دوران موسیقی، تئاتر و فعالیت‌های اجتماعی زنان رونق داشت و ارومیه به‌عنوان شهری فرهنگی و مدرن شناخته می‌شد. دریاچه ارومیه و طبیعت چشم‌نواز اطراف آن نیز بر جذابیت شهر این شهر می‌افزود. از همین رو، در ذهن مردم آن زمان، ارومیه نمادی از پیشرفت، تمدن و زندگی شهری مدرن بود؛ ویژگی‌هایی که سبب شد از دهه ۲۰ خورشیدی تا سال ۱۳۵۰ با عنوان «پاریس ایران» از این شهر یاد کنند. پزشکیان همچنین از وضعیت کنونی زادگاهش، «مهاباد»، نیز ناراضی است. در سال‌های اخیر شهر مهاباد شاهد توسعه‌ای بدون برنامه‌ریزی منسجم بوده که با منابع طبیعی و محیط‌زیست ناهماهنگ است و به بافت فرهنگی و اجتماعی شهر آسیب زده. بسیاری از پروژه‌های عمرانی و آموزشی نیمه‌تمام مانده‌اند و روند گسترش شهری باعث تغییر چهره تاریخی و فرهنگی شهر شده است. این رشد نامتوازن باعث شده مهاباد از هویت تاریخی و فرهنگی خود فاصله بگیرد و نیاز به برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ برای بازگرداندن توازن میان توسعه عمرانی و حفظ میراث‌فرهنگی و اجتماعی شهر احساس شود.



آیا زنانی که امروز وارد مجلس می‌شوند، همگی دغدغه‌ها و مسائل زنان را درک می‌کنند؟ پاسخ منفی است؛ زیرا بسیاری از آنان براساس سهمیه‌های سیاسی به مجلس راه می‌یابند و نه براساس تخصص یا شناخت واقعی از مسائل زنان درک زنانه و نگاه ویژه به مسائل زنان در گفتار و اقداماتشان دیده نمی‌شود



<div><div></div>آگهی مفقودی</div>	
<p>برگ سبز خوردی سواری هاچ بک پاناروما پژو تیپ TU۵-۲۰۷۱ مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید به شماره موتور ۱۷۵۱۸۷ و ۱۶۷۲۰ و شماره شاسی ۳۴۶۲۳۸۰۰۸۶۳ و NAAR-۱۶۷۲۳۸۰۰۸۶۳ شماره پلاک ۷۹ ایران ۷۷۹ ص ۴۳ به نام لعیا کریمی مفقود گردید و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.</p> <p>فروین</p>	
<p>نوبت اول</p> <p>نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم‌شهر که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقراً در واحد ثبتی قائم‌شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلاعوارض آنان معزز و رای صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:</p> <p>املاک متقاضیان واقع در قریه چهره مزماره پلاک ۶۷ اصلی بخش ۱۶ ۹۷۸ فرعی بنام خانم زهرا غفاری دیوکلائی نسبت به شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۴۵۹/۸۸ متر مربع خریداری بدون واسطه از آقای پنجعلی خطی مالک رسمی</p> <p>لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از تاریخ انتشار در مطبوعاتی «کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص بخواهند به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه معادل دینفع به این مهلت قانونی واصل گردد یا معترض گواهی وضعیت دادخواست به دادگاه عمومی حیات مدت یک ماه از تاریخ تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی حیات نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت متوکل به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی وضعیت دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸</p>	
<p>مرتضی قاسم‌پور - رئیس اداره ثبت اسلام املاک شهرستان قائم‌شهر شناسه آگهی: ۲۰۳۲۸۷۸</p>	

<div><div></div>آگهی مفقودی</div>	
<p>سازمان ثبت‌انسان و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه سه برابر رای شماره ۶۵۷۱-۰۶۵۷۰۰۳۵۷-۱۴۰۴۶۳۰۱ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۱۷ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی فرزند عبدالکریم بشماره ملی ۷۵۹۶۵۷۵۰۰۵ بشماره پرونده ۹۷۶-۱۴۰۳ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۳۵۰،۴۴ (سیصد و پنجاه متر و چهل و چهار سانتیمتر) متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲ اصلی واقع در بخش ۲۷ ثبت ساری قریه قلعه خریداری از مطهره ده بندی محرز گردیده است.</p> <p>لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه معادل دینفع به این مهلت قانونی واصل گردند یا معترض گواهی وضعیت دادخواست به دادگاه عمومی حیات مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی مبادرت به تقدیم دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸</p>	
<p>فربرز یوسفیان حمیدی</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه ۳ شناسه آگهی: ۲۰۲۸۸۰۱</p>	

<div><div></div>نوبت اول</div>	
<p>سازمان ثبت‌انسان و املاک کشور اداره کل ثبت‌انسان و املاک استان اصفهان</p> <p>آگهی ابلاغ مفاد آرا صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقراً در شرق اصفهان در اجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و بر حسب بدعا قانون مذکور آرا ذیل که از طرف این هیات مبنی بر تایید انتقال عای و یا سهم مفروضی متقاضی صادر ۳ گردید در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود تا شخصی یا اشخاصی که به آرا مذکور اعتراض دارند از تاریخ اولین انتشار طرف مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نموده و در مهلت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی فرصت دارند نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه صالحه و ارائه گواهی مبنی بر طرح دعوی اقدام نمایند و اقدامات ثبت متوکل به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود و در صورت انقضا مهلت عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.</p> <p>۱-رای شماره ۲۰۲۷۱-۰۲۰۲۷۰۰۲۰۷۰۱۴۰۴۶۳۰۱ مورخه ۱۴۰۴/۰۵/۰۹ حیات دوم مستعملی بشماره شناسنامه ۲۳۶ صادره از اصفهان بشماره ملی ۱۳۸۸۸-۱۳۸۸۰۰۴۶۶-۱۳۸۸۰۰۴۶۶ مورخه ۱۳۸۸/۰۵/۲۶ که در شش‌دانگ یکباب عرصه یک قطعه زمین (با کاربری زراعی - باغی) احدالی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۱۷۷ فرعی از اصلی ۹۸ واقع در بخش ۱۸ ثبت اصفهان به مساحت ۱۲۶/۰۵۴ متر مربع خریداری طی سند رسمی</p> <p>مهدی صادقی وصفی - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ شناسه آگهی: ۲۰۳۱۹۶۳</p>	

<div><div></div>نوبت اول</div>	
<p>سازمان ثبت‌انسان و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد املاک استان بوشهر</p> <p>تاریخ تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقراً در واحد ثبت اول: ۱۳۷۵۸۰۸ مترمربع پلاک ۳۵۴ فرعی از ۳۵۴۰ اصلی واقع در بخش سه بوشهر - بزرگان اراضی نینیزک مورد در خواست خانم شهرزاد پاپری قدیمی و شرکا (ورات مرحوم بدلارضا - پاپری قدیمی) که از طرف آقای مصطفی موسوی واگذار گردیده است.</p> <p>نامبرده در اجرای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت نموده است و حسب تقاضای نامبرده که در اجرای ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در خواست انتشار آگهی تحدید حدود نموده است در ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ در محل شروع بعمل خواهد آمد.</p> <p>اینک بوسیله این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می‌شود که در وقت بقدر در محل حضور بپرسرند و خواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتضایی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت‌مجلس تحدیدی تا ۳۰ روز پس‌ازپدیفته خواهد شد ضمناً معترض مکلف است طبق تبصره ۲ ملاوداحده قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبتی مصوب ۱۳۲۲/۰۲/۲۵ و ماده ۴۶ آیین‌نامه اجرایی طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراضی به اداره ثبت دادخواست به مرجع قضایی محل تمایل دارد.</p> <p>حمیدرضا رافربوررئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتستان تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ - م الف: ۹۱۴</p>	

<div><div></div>نوبت اول</div>	
<p>سازمان ثبت‌انسان و املاک کشور اداره کل ثبت‌انسان و املاک استان گلستان</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۹۸۶-۰۳۱۸۱۰۱۴۰۴۶۳۰۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۴ حیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقراً در واحد ثبت اول: ۳۴۸/۲۰ مترمربع پلاک ۶۳۴ فرعی از ۵۱ اصلی مفروض و مجزی شده از پلاک ۱ واقع بصیقلان بخش ۲۲ گیلان خریداری از حاجی رحیم زکاد بصیقلانی محرز گردیده است.</p> <p>لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸</p>	
<p>یداله شهبازی - رئیس ثبت‌انسان و املاک شهرستان صومعه سرا شناسه آگهی: ۲۰۲۷۴۷۵ - م الف: ۹۱۰۲۶۹۸۱</p>	

<div><div></div>فروین</div>	
<p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه ۳ شناسه آگهی: ۲۰۲۸۸۰۱</p>	



بازخوانی آثار «واحد خاکدان» نقاشی که اشیای خاموش را زنده کرد

جهان صندوقچه‌های فراموش شده

«فکر می‌کنم روح خیلی بیش از آنچه در توأم است، از نظر جسمی از من می‌طلبد. این تلپیدن روحم از جسم ناتوان را سعی می‌کنم هماهنگ کنم. قبل از اینکه یک تابلو تمام شود که ممکن است سه ماه روی آن کار کرده باشم، ساعت-چهار نیمه‌شب درحالی که سه پاکت سیگار کشیده‌ام، به فکر تابلوی بعدی می‌افتم... بنابراین، همیشه می‌گویم خدایا در توأم خواهد بود که چنین کاری کنم؟» این بخشی از صحبت‌های «واحد خاکدان»، هنرمند شناخته‌شده نقاشی است که از عکس‌های سیاه‌وسفید، اسباب‌بازی‌ها، نامه‌های پراکنده، صندوقچه‌ها و چمدان‌های پر از وسایل فراموش‌شده جهانی می‌ساخت که در آن انباشتگی اجسام، سکون و فضای محدود در هم می‌تیندند. کودکی، گذرا بودن زمان، ابدی نبودن اشیا و انسان‌ها، مکان‌ها و اشیای رهاشده، استنباط خودش از نقاشی‌هایش بود. خاکدان از سرطان مری رنج می‌برد و همراهِ امسال به دلیل نفوذ یک باکتری به مغزش، در بیمارستان بستری شد و همان بیماری در یکم آبان‌ماه جانش را گرفت.

واحد خاکدان از آن دست هنرمندانی بود که نقاشی را به‌مثابه تجربه‌ای درونی، شخصی و فلسفی می‌فهمید. از اشیای ساده زندگی روزمره جهانی تازه می‌ساخت؛ جهانی که در آن نشانه‌های فراموش‌شده معنا می‌یافتند. دغدغه اصلی او زمان و زوال بود و تجربه زیست در غربت، بر نگاهش به این مفاهیم سایه انداخته بود. او در سال ۱۳۳۹ در تهران به دنیا آمد؛ در خانواده‌ای که هنر در فضای خانه‌اش جریان داشت. پدرش از نخستین طراحان صحنه تئاتر و سینما در ایران بود و به‌گفته خودش، از کودکی با تماشاهای چیدمان صحنه و جادوی نور و فضا، با مفهوم «تصویرسازی» خو گرفت. خانه‌شان پر بود از کتاب‌های نقاشی، معماری و تاریخ هنر و همین باعث شد او زودتر از بسیاری از هم‌سنانش با هنر غرب و مفاهیم بصری مدرن آشنا شود. در کودکی با مداد و دفتر نقاشی مائوس بود و مادرش نخستین کسی بود که مشوق او شد. در سیزده‌سالگی در اردوی هنری رامسر شرکت کرد و مدال طلای مسابقه نقاشی را گرفت؛ نقطه‌ای که مسیر زندگی‌اش را مشخص کرد. با توصیه «غلامحسین نامی»، از پیشگامان جنبش هنر مدرن در نقاشی معاصر ایران، به هنرستان هنرهای زیبا رفت و زیر نظر استادانی چون «محمدابراهیم جعفری» آموزش دید. او بعدها در دانشکده هنرهای تزئینی در رشته معماری داخلی ادامه تحصیل داد؛ انتخابی که به‌گفته خودش، به توصیه پدر انجام شد تا پشتوانه‌ای عملی برای هنر داشته باشد. همین ترکیب نقاشی و معماری، بعدها در ساختار آثارش یعنی در ترکیب اشیا، نور و فضا، نقشی کلیدی ایفا کرد. **از نمایشگاه در گالری سیحون تا یک تخم‌مرغ** نخستین نمایشگاه‌های انفرادی‌اش در دهه ۵۰ در گالری سیحون و تالارقدیر برگزار شد؛ زمانی که تنها بیست‌وچند سال داشت. او در این دوران به‌شدت از جریان‌های نقاشی اوایل قرن بیستم تأثیر گرفته بود. در هنرستان، آموزش‌ها برپایه آثار امپرسیونیست‌ها استوار بود، اما خاکدان که با جریان‌های روز هنر جهان آشنا بود، خیلی زود دریافت جهان نقاشی از امپرسیونیسم و کوبیسم فراتر رفته است. آن زمان، در غرب موج پاپ‌آرت و فوتورالیسم شکل گرفته بود، اما در ایران هنوز بازتاب‌های مکاتب ساقخانه و ابستره رایج بود. در همان سال‌ها تلاش کرد زبان شخصی خود را پیدا کند. نخست به‌سمت نقاشی انتزاعی رفت، اما به‌گفته خودش، کارهای ابستره برایش ملال‌آور شد. سپس فیگور را وارد بوم کرد تا به تعادلی میان تجرید و واقعیت برسد. با رفتن به خدمت سربازی در سال‌های ۵۵ تا ۵۷،

تک‌های پراکنده‌ای از گذشته هستند که در یک قاب محدود جمع شده‌اند و حس گذر زمان را منتقل می‌کنند از چمدان و قاب عکس گرفته تا قفسه چوبی، ملافه‌ها، بسته‌های روزنامه و عروسک‌ها، همه این اشیا با ظاهری کهنه، حس زمان گذشته را القا می‌کنند. با تکنیک فوتورالیستی و پرداخت دقیق رنگ و بافت، خاکدان اشیا را به‌گونه‌ای تصویر می‌کند که هم ملموس‌اند و هم حالتی عتیق و رازآلود دارند؛ اشیایی که در ظاهر بی‌جان‌اند، اما در جهان نقاشی او حاملان خاطرات و نشانه‌هایی از انسان‌هایی هستند که زمانی حضور داشته‌اند و دیگر نیستند. او هرگز از مدل یا عکس استفاده نمی‌کرد و همه‌چیز را از ذهن و تخیل خود می‌کشید و همین موضوع به آثارش کیفیتی شاعرانه می‌بخشید؛ واقعیتی که در مرز خیال حرکت می‌کرد. خاکدان به جزئیات با وسواس نگاه می‌کرد؛ شاید تأثیر همان سال‌های جوانی‌اش بود که به جلد آلبوم‌های موسیقی غربی و طراحی‌های دقیق و رنگین آنها دل بسته بود. خودش گفته بود در نوجوانی تحت‌تأثیر هنر سایکلدیک و نهضت فوتورالیسم قرار گرفته است؛ زمانی که در جهان، تصویرگری به ابزار اعتراض سیاسی تبدیل شده بود. این گرایش به دقت و جزئی‌نگری، بعدها در کار او به یکی از عناصر اصلی بدل شد. به‌گفته خودش، این توجه به جزئیات در نقاشی، ریشه‌های فلسفی هم داشت؛ نوعی ریاضت و تمرکز که در هنر ایرانی و سنت مینیاتور نیز دیده می‌شود. او باور داشت نقاش ایرانی، وقتی با صبر و وسواس روی یک اثر کار می‌کند، در حال نوعی مراقبه است. از این منظر، پرداخت دقیق یک خرس عروسکی یا چمدان فرسوده در آثار خاکدان، نه از سر تکنیک‌گرایی، بلکه تلاشی برای فهم روح زمان بود. در سال‌های اقامت در آلمان، علاقه او به نقاشان پیشامدرن و به‌ویژه مسئله نور افزایش یافت. باور داشت نور در نقاشی فقط یک عنصر بصری نیست، بلکه عامل حضور و غیاب است؛ همان چیزی که اشیای خاموش را زنده می‌کند. تجربه مهاجرت شخصی و خانوادگی او در آثار هنری او منعکس شده است. به تصویر کشیدن اشیا به‌شکل واقعی و با توجه به جزئیات دقیق، رویکرد هنری او را به هایپررالیسم نزدیک می‌کند. او هنرمندی بود که در میان خیال و واقعیت، میان گذشته و حال و پست و آفرید. شاید همین است که آثارش هنوز، سال‌ها پس از خلق، در ذهن مخاطب می‌مانند؛ چون از جنس حافظه جمعی‌اند، از جنس چیزی که از بین نمی‌رود.

«احمد احمدپور»، بازیگر «خانه دوست کجاست» در گذشت



آثار مشهور واحد خاکدان پس از مهاجرت به آلمان شکل گرفت و بیش از همه با آثار طبیعت بی‌جانش شناخته می‌شود. در این دوره، با تمرکز بر انباشتگی اشیا و فضایی محدود، جهان درون خود را روی بوم بازسازی می‌کند. هر جسم در تابلوهایش حامل داستانی شخصی است و با جزئیات دقیق و نشانه‌گذاری‌های ظریف، خاطرات و تجربه‌های زیسته‌اش را بازتاب می‌دهد. این اجسام گویی

صفحه مجازی «عباس کیارستمی» (که توسط دوستدارانش اداره می‌شود) خبر درگذشت «احمد احمدپور» یکی از بازیگران کودک فیلم «خانه دوست کجاست؟» را اعلام کرد. در این خبر اعلام شده است احمد برادر کوچک «بابک احمدپور» بود و در «خانه دوست کجاست» نقش «محمدرضا نعمت‌زاده» را بازی می‌کرد. بنا بر همین گزارش او که ساکن تهران بوده است، اول آبان‌ماه در خواب ایست قلبی کرده و در ۴۶ سالگی از دنیا رفته است. این دو برادر سال ۱۳۴۵ یعنی زمانی که عباس کیارستمی همراه با کامیوزیا پرتوی و کیومرث پوراحمد برای پیدا کردن نقش اول فیلم «خانه دوست کجاست» به رستم‌آباد گیلان می‌رود، زندگی دیگری را تجربه می‌کردند. احمد هفت‌ساله بود که نقش محمدرضا نعمت‌زاده را بازی کرد. احمد سال ۱۳۷۳ در رستم‌آباد به تهران می‌آید و وارد ارتش می‌شود. به‌گفته بابک و احمد بعد از درگذشت کیارستمی، کارگردانان مطرحی به آنها پیشنهاد بازیگری در فیلم‌هایشان را می‌دهند، اما برادران احمدپور همه را رد می‌کنند. ایلستا

ماراتن خرید بلیت پایان ندارد

۱۴۰۳ سفر نرفته‌اند. این آمار همچنین نشان می‌دهد وسایل حمل‌ونقل عمومی در جابه‌جایی تعداد بسیار کمتری از گردشگران نقش دارد و در کنار آن اقبال به مراکز رسمی اقامت محسوسی پیدا کرده است. در این شرایط اگر جای هر کدام از مسئولان وزارت میراث‌فرهنگی و گردشگری بودید، چه می‌کردید؟ لایب سراغ این می‌رفتید که ببینید چرا مردم از وسایل حمل‌ونقل عمومی کمتر استفاده می‌کنند و احتمالاً چند دلیل می‌یافتید که یکی از آنها به‌کمبود بلیت برمی‌گردد. شاید با نهاد‌های مختلف وارد مذاکره می‌شدید تا همچنان که اتوبوس شهری از چین وارد تهران شده، اتوبوس بین‌شهری هم مجوز ورود بگیرند. به‌این‌ترتیب، هم میزان تصادفات کاهش می‌یافت، هم مسافر‌رغبت بیشتری به سفر می‌شد. اتوبوس پیدا می‌کرد، هم بلیت خریدن تبدیل به یک ماراتن نفس‌گیر نمی‌شد. اگر تلاش بیشتری می‌کردید شاید در بحث حمل‌ونقل ریلی هم موفق می‌شدید، دست کسانی که در همان اولین دقیق با ربات همه بلیت‌ها را می‌خرند، کوتاه کنید تا همه امکان سفر با قطار را داشته باشند. همت بیشتری اگر به خرج می‌دادید، شاید حتی موفق می‌شدید ظرفیت حمل‌ونقل ریلی را افزایش دهید. حمل‌ونقل هوایی را کنار می‌گذارم؛ چون می‌دانم نیاز به مرارت بسیار دارد و در حوصله وزیر نمی‌گنجد.

جایزه بهترین مستند جشنواره بین‌المللی معماری استانبول به «دختران بافت» رسید

پایام ما | فیلم مستند «دختران بافت» به کارگردانی «عسل ستایش»، موفق شد جایزه بهترین مستند را در جشنواره بین‌المللی معماری استانبول از آن خود کند. این مستند در نخستین حضور بین‌المللی خود در بخش اصلی رقابتی جشنواره معماری و طراحی نیویورک پذیرفته شده بود و همچنین در بخش مسابقه اصلی جشنواره «کاپری» در کشور ایتالیا به نمایش درآمد. «دختران بافت» حاصل حدود سه سال تحقیق و فیلمبرداری است و داستان گروهی از دختران جوان را روایت می‌کند که برای نجات بافت تاریخی شیراز دست‌به‌کار شدند. آنان با همراهی مردم محلی، معماران و مهندسان، کمپین‌های نجات بافت را راه‌اندازی کردند و



« شرکت عمران شهر جدید مهستان از کلیه پیمانکاران دارای صلاحیت از سازمان برنامه و بودجه جهت دریافت اسناد و شرکت در مناقصات ذیل دعوت بعمل می‌آورد »

موضوع	صلاحیت	شماره فراخوان	شماره سامانه ستاد ایران	تاریخ دریافت اسناد
فراخوان عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی با موضوع عملیات اجرایی ساخت مدرسه ۱۲ کلاسه واقع در منطقه ۴ ناحیه ۳ قطعه ۴۷ شهر جدید مهستان	حداقل رتبه ۵ در رشته ابنیه و ساختمان	۱۴۰۴-۰۷-۰۵/۱	۲۰۰۴۰۱۲۹۰۰۰۰۱۰	از تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ لغایت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱
فراخوان عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی با موضوع عملیات اجرایی ساخت مدرسه ۱۲ کلاسه واقع در منطقه ۴ ناحیه ۴ قطعه ۴۸ شهر جدید مهستان	حداقل رتبه ۵ در رشته ابنیه و ساختمان	۱۴۰۴-۰۷-۰۶/۱	۲۰۰۴۰۱۲۹۰۰۰۰۱۱	از تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ لغایت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱
فراخوان عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی با موضوع عملیات اجرایی ساخت مدرسه ۱۲ کلاسه واقع در منطقه ۴ ناحیه ۱ قطعه ۵۳ شهر جدید مهستان	حداقل رتبه ۵ در رشته ابنیه و ساختمان	۱۴۰۴-۰۷-۰۷/۱	۲۰۰۴۰۱۲۹۰۰۰۰۱۲	از تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ لغایت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

این فراخوان درسامانه تدارکات الکترونیک دولت به نشانی www.setadiran.ir و پایگاه اینترنتی شرکت عمران به آدرس www.mehestan.ntdc.ir قابل مشاهده می‌باشد.